

جایگاه آب در فرهنگ و ادب عامه

The Place of Water in Culture and Literature

سیدآمنه حسینی جهانگیر^۱، فاطمه فخری^۲

Amene Hoseini Jahangir¹, Fateme Fakhri²

Abstract

Water and its associated elements are so important in Iranian culture that we can write a large encyclopedia of water. The land of Iran is a land of respect for water. From the written and oral works and ancient beliefs of the people of this land, one can clearly see that water was sacred to them. In most ancient Iranian beliefs, water is a cleansing and washing agent of sin. Without water the emergence and survival of man is unthinkable. Water is one of the primary and universal elements in the continuation of human life. Because of this, its position in different cultures varies according to climate, natural position, how, the number and quantity of available water resources, the level of technological progress and the way of living in different lands. Public culture research is a valuable effort to preserve, revive, and reproduce the culture of a society.

Keyword: Iran, Anthropology, Folk, Culture, Water.

چکیده

آب و عناصر وابسته به آن در فرهنگ ایران آن قدر با اهمیت است که شاید بتوان به پشتوانه آن یک دایره‌المعارف بزرگ دربارهٔ آب نوشت. سرزمین ایران، دیار احترام نهادن به آب است. در آثار مکتوب و شفاهی و باورهای کهن مردمان این سرزمین می‌توان به وضوح احترام و تقدس ویژه را، نسبت به آب دریافت. آب در بیشتر باورهای کهن ایرانی، پاک‌کننده و شویندهٔ گناه است. پیدایش و بقای گروه‌های انسانی، بدون وجود آب غیرقابل تصور می‌نماید. آب از عناصر اولیه و همگانی در تداوم حیات بشر است و از این رو جایگاه آن در فرهنگ‌های گوناگون به تناسب شرایط اقلیمی، موقعیت طبیعی، چگونگی، تعداد و مقدار منابع آب در دسترس، میزان پیشرفت فناوری و نیز شیوهٔ مسلط معیشت در سرزمین‌های مختلف متفاوت است. پژوهش در زمینهٔ فرهنگ عامه تلاشی ارزشمند در زمینهٔ حفظ، احیا و بازتولید فرهنگ یک جامعه به شمار می‌رود.

کلیدواژه‌ها: ایران، مردم‌شناسی، فرهنگ عامیانه، آب.

1. Ph.D Student of Persian language and literature

2. M.A of Persian language and Literature

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد

اسلامی (نویسنده مسوول) ak622@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

مقدمه

فولکلور مرکب از دو کلمه است folk به معنی مردم، گروه، قوم و خویش، ملت، عوام، توده مردم و lore به معنی دانش، معرفت و دانستنی است. بنابراین فولکلور را بر روی هم می‌توان فرهنگ و دانش عامه یا اشعار و آداب و رسوم و افسانه‌ها و باورهای مردم معنی کرد. (انصاری، ۱۳۹۱: ۱۵)

توماس امبرسون نخستین فردی بود که برای فرهنگ مردم واژه فولکلور را پیشنهاد کرد و در سال ۱۸۴۶م. در نوشته‌های خود آن را به کار گرفت. از آن تاریخ به بعد این واژه در میان انگلیسی‌ها و در زبان محاوره‌شان کاربرد پیدا کرد. (همان‌جا) آب، مایع حیات‌بخش و یکی از تأثیرگذارترین عناصر حیاتی در فرهنگ و فولکلور مردم ایران به شمار می‌رود. جلوه‌های گسترده‌ای از فرهنگ، تمدن و هنر ایرانیان تحت تأثیر باورها و اسطوره‌هایی بوده است که درباره آب پدید آمده‌اند. بر پایه باورهای ایرانیان باستان، آب نقش چشمگیری در پیدایش هستی و پیشبرد مبارزه میان نیکی و بدی در عرصه تاریخ اساطیری ایران داشته است. (دانشنامه فرهنگ مردم ایران، ۱۳۹۱: ۱/۱)

باورهای عامه، زیرمجموعه فولکلور و در حوزه مردم‌شناسی است. صادق هدایت در معرفی فولکلور و واگوی پیشینه آن، امبرواز مورتن را اولین کسی می‌داند که در ۱۸۸۵م. «آثار باستانی ادبیات توده را فولکلور نامید؛ یعنی دانش عوام». (هدایت، ۱۳۷۸: ۲۳۳) سال‌ها بعد بلوکباشی وضع این اصطلاح را در ۱۸۴۶م. می‌رساند و آن را به عتیقه‌شناس انگلیسی به

نام تامس منتسب می‌دارد. (بلوکباشی، ۱۳۸۷: ۵۶) تامس این اصطلاح را در ۱۸۴۶م. با نام مستعار امبرواز مورتن در نوشته خود به کار می‌برد (همان: ۴۲۳) و با ارسال نامه‌ای به مجله آنتانوم پیشنهاد می‌کند این اصطلاح به جای اصطلاح ناهنجار عتیقات عامیانه به کار می‌رود. با این همه نمی‌توان تعریفی را که سی اس برن^۱ از فولکلور به دست داده است، نادیده گرفت. او در مقاله‌ای با عنوان «فرهنگ مردم چیست؟» نوشته است: «فولکلور در واقع نحوه جهان‌بینی و روانشناسی انسان عامی و اندیشه او در باب فلسفه، دین، علوم، نهادهای اجتماعی، تشریفات و چشم‌ها، اشعار و ترانه‌ها، هنرهای عامیانه و ادبیات شفاهی است.» (بیهقی، بی تا: ۱۳)

فولکلور ناظر بر پژوهش‌هایی در زمینه عادات، آداب و مشاهدات، خرافات و ترانه‌هایی بود که از دوره‌های قدیم باقی مانده‌اند. مؤلف «فرهنگ استاندارد فولکلور، اسطوره‌شناسی و افسانه»، حدود ۲۱ تعریف از اصطلاح فولکلور ارائه کرده است. «ادبیات عامه یا ادبیات توده یا فرهنگ عوام یا فولکلور در مقابل ادبیات رسمی قرار می‌گیرد. این ادبیات مخلوق ذهن مردم باسواد و تحصیل‌کرده است و مجموعه‌ای از ترانه‌ها و قصه‌های عامیانه، نمایش‌نامه‌ها، ضرب‌المثل‌ها، سحر و جادو و طب عامیانه است که میان مردم ابتدایی و بی‌سواد رواج دارد.» (داد، ۱۳۸۲: ۲۲) موضوع‌های مورد بررسی فولکلور بسیار متنوع است. از اساطیر و افسانه‌ها تا آوازه‌ها، ترانه‌ها، تصنیف‌ها، دوبیتی‌ها، تک‌بیتی‌ها، نوحه‌ها، شعرهای سوگواری‌ها و لالایی‌ها، امثال،

۱. محمد میر شکرایی کتاب *انسان و آب* در *ایران؛ پژوهش مردم‌شناختی* را نوشته و انتشارات گنجینه ملی آب ایران در سال ۱۳۸۰ آن را چاپ کرده است.

۲. فروغ علیزاده کتاب *آب در فرهنگ ایران* را نوشته که انتشارات شورآفرین آن را در سال ۱۳۹۶ چاپ کرده است.

مقالات بسیار زیادی در این موضوع نوشته شده است که مهم‌ترین و مرتبط‌ترین آنها با پژوهش حاضر مقاله «آب، آیین‌ها و باورهای مربوط به آن در فرهنگ عامه» از مهرالزمان نوبان است که در مجله کتاب ماه علوم اجتماعی، دی ماه ۱۳۸۷، شماره ۱۰ در صفحات ۶۶ و ۶۷ منتشر شده است.

شیوه پژوهش

این پژوهش به شیوه توصیفی - کتابخانه‌ای انجام شده است. در ابتدا برای شناخت اندیشه پیشینیان درباره آب، کتاب‌ها و مقالات مختلف مطالعه شده و بعد از مطالعه و فیش‌برداری، مباحث مختلف بررسی و تحلیل شده است.

هدف و ضرورت انجام پژوهش

از دیرباز یکی از تنگناهای اساسی حیات بشر، کافی نبودن آب و منابع آبی برای رفع نیازهای مختلف او در زمینه کشاورزی، دامداری و دیگر مصارف انسانی بوده است. نیاز روز افزون انسان به آب از یکسو و کمبود آن از سوی دیگر به ویژه در مناطق خشک و نیمه خشک جهان، که ایران نیز از این مناطق به شمار می‌رود، باعث افزایش توجه به این مقوله در ادبیات عامه شده است.

چیستان‌ها، نغزها، زبانزدها، بازی‌های زبانی، زبان‌های مخفی، دیوارنوشته‌ها، ماشین نوشته‌ها، نفرین‌ها، حاضر جوابی‌ها و از آداب و رسوم مذهبی مانند انواع گوناگون سفره‌ها، سوگواری‌ها، جشن‌های مذهبی تا جشن‌های آیینی مثل چهارشنبه‌سوری، نوروز، سفره‌نوروز، حاجی‌فیروز، دیدوبازدیدها، عیدی دادن و عیدی گرفتن، سیزده به در. از مراسم عروسی و آداب زیارت اماکن مقدس، چشمه‌ها و درخت‌های نظرکرده، قدمگاه‌های اولیا، غذاهای نذری، تا آداب مرگ و تشییع جنازه و جادو و جنبل، فال‌گیری، شیوه‌های جلب محبت و از باورها و عقاید عامه تا خوراک و پوشاک و زندگی مادی و صدها مقوله دیگر. این همه مواد فرهنگ‌عامه زمینه بسیار مناسبی برای بررسی‌های جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، ادبیات عامه، دین‌پژوهی، زبان‌شناسی و رشته‌های دیگر علوم است. (ذوالفقاری، ۱۳۹۴: ۸)

مسئله پژوهش

مسئله پژوهش آن است که ایرانیان از ادوار گذشته تاکنون نسبت به آب چه اندیشه‌ای داشته‌اند و چگونه با این منبع حیات بشر برخورد کرده‌اند؟ به نظر می‌رسد آب در فرهنگ دینی و ملی ایرانیان قداست داشته و این تلقی اعتقادی سبب بهره‌وری بهینه از آب با استفاده صحیح و حفظ منابع آبی همراه شده است.

پیشینه پژوهش

با توجه به ضرورت موضوع آب در ایران، کتاب‌هایی در این زمینه به رشته تحریر در آمده است. مهم‌ترین و مرتبط‌ترین آنها با موضوع پژوهش عبارت است از:

نگهداری و زندگی بخشی آفریدگان خویش از کنار البرز ساخته است». (تفضلی، ۱۳۵۴: ۷۱) ارتباط آب و جاودانگی در انجیل یوحنا به وضوح مطرح گردیده است. «عیسی در جواب او (زن سامری) گفت کسی که از آبی که من به او می‌دهم بنوشد هیچ‌گاه تشنه نخواهد شد بلکه آن آبی که به او می‌دهم در او چشمه آبی شود تا حیات جاودانی می‌جوشد». (یوحنا، باب ۴، آیه ۱۴)

در بعضی اساطیر و افسانه‌ها، آب هم منبع زندگی است و هم منشأ مرگ. در این اسطوره‌ها در مواردی آب روح و شخصیت دارد و به صورت زن زیبای جوان نشان داده می‌شود که هیچ‌گونه بدی در آن نیست. مفهوم نمادین آب در فرهنگ‌های مختلف با وجود تفاوت‌های جزئی، شباهت‌های زیادی دارد: در آسیا، آب شکل جوهری ظهور، اصل حیات و عنصر تولد دوباره جسمانی و روحانی است؛ نماد باروری، خلوص، حکمت، برکت و فضیلت است. (همان: ۴) به تقریب، در همه جا آب وسیله طهارت آیینی است. علاوه بر آب مقدس مسیحیان، در اسلام، در ژاپن، حتی در مراسم باستانی فوجویی میان پیروان آیین دایر طهارت با آب نقش بنیانی دارد. (همان: ۵-۶) در سنت یهودی و مسیحی آب پیش از هر چیز نماد و اصل آفرینش است: "مم" (میم) عبری نشانه آب مؤثر است، نشانه مادر و زهدان است و مبدأ هر چیز برتر را نشان می‌دهد و چون یک مظهر فرضی ملحوظ می‌شود. (همان: ۸) آب فضیلتی تزکیه‌کننده دارد و به همراه آن قدرتی رستگارکننده. غوطه خوردن در آب مولد است، موجب بازی است، در مفهومی که در آن واحد مرگ و زندگی است. (همان: ۱۳)

مطالعات در فرهنگ عامه مردم ایران درباره آب، علاوه بر برنامه‌های توسعه اقتصادی و عمرانی، در سایر برنامه‌های بنیادی کشور مانند توریسم و توسعه صنعت جهانگردی نیز کاربرد دارد که می‌تواند از پژوهش‌های اساسی در رسیدن به توسعه پایدار باشد. معرفی روش استفاده بهینه از منابع آبی و حفظ این مایع حیاتی یکی از اهداف این پژوهش بوده است.

آب در ایران باستان

در ایران باستان، ایزد بانوی آب، آناهیتا، ایزدی قدرتمند، برازنده و محبوب بود. «شاید بتوان گفت که پرستش این ایزد مربوط به هزاره نخست پیش از میلاد است و آیین این ایزد بانو به عنوان «نه نه یی» تا دوران پارت‌ها ادامه یافته است. «نه نه یی» نام سامی مادر ایزد بزرگ است که در روزگار باستان آیینش از کرانه‌های مدیترانه تا سواحل دجله و فرات و دره سند و مرزهای خاوری ایران بزرگ گسترده بود و با نام‌های آرتیمیس، آناهید، ایشتر و نه نه یی میان یونانیان، بابلیان، لودی‌ها و مردم آسیای صغیر پرستیده می‌شد» (گویری، بی تا: ۴۱) و بعدها به اوستا نیز راه یافت و آبان یشت در ستایش تجلی قدسی آب، رمزپردازی زایش نو و تولد ثانویه است؛ زیرا «آب زهدان عالم است که در آن همه امکانات بالقوه وجود دارند». (الیاده، بی تا: ۱۹۲) امشاسپند نگهبان آب، امرداد است که مظهر بی مرگی است. مؤلف بندهشن نیز از وجود این آب بی مرگ که پیری را چیره شود در خانه کاووس شاه خبر می‌دهد. (دادگی، بی تا: ۱۳۷) در مینوی خرد به زندگی بخش بودن آب اشاره می‌کند: «و این دریاها را در جهان آفریدگار اورمزد برای

در باور ایرانیان پیش از اسلام که با مذهب زرتشت گره خورده است، علاوه بر شعار «پندار نیک، گفتار نیک، کردار نیک» به پاکی جسم و طهارت و نقش و ارزش آب نیز توجه ویژه شده و اهمیت فوق‌العاده‌ای برای آن قائل شده است. در ایران باستان آب مقدس به شمار می‌رفته و به عقیده زرتشتیان، آب پس از آتش، مقدس‌ترین عنصر است.

آب در فرهنگ عوام

در هر یک از جوامع بشری به‌طور معمول نوعی ادبیات ویژه یافت می‌شود که جزو لاینفک فرهنگ آن جامعه محسوب می‌شود. در طول هزاران سال از زمانی که گروه‌های اجتماعی با یکدیگر متحد شده و تشکیل اجتماعات مختلف را در مناطق گوناگون دادند و سپس با ایجاد ایل و عشیره و وابستگی به نوعی قوم و خویشاوندی، سبب شدند که بین آنان نوعی فرهنگ رایج شود که خاص همان جامعه بوده و در مردم‌شناسی به آن فرهنگ عامه یا فولکلور (folklore) گفته می‌شود.

در این میان خرافات را نباید از نظر دور داشت. در دایره‌المعارف تشیع آمده است: «خرافه یا خرافات عبارت است از اعتقادات بی‌اساس که با عقل و منطق و واقعیت سازگاری نداشته باشد». (دایره‌المعارف تشیع، ۱۰۷/۷) با تکیه بر تعاریف اهل تحقیق می‌توان گفت که خرافات مجموعه گفتار و اعتقادات نامعقولی است که چون با احساس افراد ارتباط پیدا می‌کند، در ظاهر فریبنده و دلنشین هستند، ولی بر هیچ اصل علمی و عقلی متکی نیستند. (شعربافیان، ۱۳۸۳: ۱۴)

در کتاب آب: آیین‌ها و باورهای مربوط به آن در فرهنگ عامه آمده است: «آب آبادانی می‌آورد. کنار

دریا، رود و نهر همیشه زندگی جاری است. از همین رو جریان آب همراه حیات خاکی به حیات فکری امان نیز راه برده است. «صافی»، «روشنی»، «پاکی» با این مایع حیات‌بخش در باورمان عجین شده است. جدای از این باور جهان‌شمول، «آب» در آیین ایرانیان مقدس است که هستی از آن می‌جوشد، نطفیده‌اش مراد است و بر راه مسافر و پشت پایش که ریخته می‌شود، روشنی راهش خواهد شد. قصه‌ها و غصه‌ها داریم ما از این آب که گاه افسانه‌وار ما را از هفت‌دریا می‌گذراند و به دریای جاودانگی می‌برد و دل می‌سوزاند و دیده پرآب می‌کند؛ گاهی از تشنه‌لب کربلا دریغ می‌شود». (خلعتبری، ۱۳۷۸) این چنین انبوهی از تجربه‌های روزمره بشری و اندیشه‌ها و باورهای عامیانه در این عنصر حیات‌بخش جمع شده است.

تأثیر اندیشه‌های اسلامی بر نگرش ایرانیان به آب قرآن برای آب اهمیتی فوق‌العاده قائل شده است. خداوند در آیات متعدد انسان را به تفکر درباره آب و شکرگزاری بر این نعمت بزرگ یادآور شده است. آب به‌عنوان برکت خداوندی است که حیات می‌بخشد، حیات را حفظ می‌کند و بشر و زمین را پاکیزه می‌گرداند. به نظر می‌رسد در قرآن آب با ارزش‌ترین آفریده خدا بعد از انسان هست.

(نظرزاده، ۱۳۹۳: ۲۳)

فرهنگ عامه ایرانی تحت تأثیر اندیشه اسلامی، نگرش‌ها و باورهای چندی به آب پیدا کرده است و بر پایه آن رفتار می‌کند. در این راستا در فرهنگ ایرانی-اسلامی، زندگی همه چیز از آب پدید آمده است و ادامه آن نیز به آب بستگی دارد. در این نگرش، اصل و

گاهی این اندیشه‌ها به خرافاتی تبدیل شده و در بین مردم یک ناحیه رواج یافته است. برای نمونه: یکی از جالب‌ترین خرافه‌ها در جنوب فرانسه است که می‌گوید: بین ساعات ۱۱ تا ۱۲ شب کریسمس آب موجود در بعضی ظروف به شراب تبدیل می‌شود.

البته بشر خرافی آب را همیشه به دیده‌عامل بازدارنده خباثت اجنه و شیاطین می‌پنداشته و به همین دلیل است که بیرون ریختن آن را بعد از غروب از خانه نجس می‌دانسته است. در نواحی روستایی انگلیس خرافه‌ای است که می‌گویند آبی را که در اتاق خواب برای نوشیدن یا شست‌وشو می‌گذارند، هرگز نباید آب جوشیده باشد؛ چون برای افرادی که در آن اتاق می‌خوابند، نحوست به بار می‌آورد. از قرار معلوم به قول آنها شیطان هم نفرت خاصی نسبت به آب جوشیده دارد و اگر به مقداری آب جوشیده برخورد کند؛ زندگی را برای کسانی که در آن نزدیکی به سر می‌برند تنگ خواهد کرد؛ همچنین در ایران اعتقاد دارند:

- اگر پشت سر مسافر آب پاشند، مسافر حتماً به سلامت و به زودی مراجعت خواهد کرد.

- ریختن آب جوش در غروب توی باغچه شگون ندارد و معتقدند که باعث آزار و اذیت از ما بهتران می‌شود.

- بعد از سال نو پاشیدن آب در مقابل در ورودی منزل شگون دارد و خوشبختی می‌آورد.

- روز چهارشنبه‌سوری آوردن آب از چشمه و یا رودخانه شگون دارد و برکت و خوشی به همراه می‌آورد به شرط آنکه در کوزه تازه و آب‌نדיده بوده باشد.

موجودیت نخستین آب از آسمان بوده که بر روی زمین استقرار یافته است، دنیای نخستین پیش از آفرینش آسمان و زمین از آب بوده است، آب اصل و بنیاد زندگی است، زیبایی طبیعت از آب است، غذای انسان به آب وابسته است و آب از ارکان بهداشتی انسان، نیز باروری گیاهان است. از این رو مردم برای آن حرمتی بسیار قائل‌اند و آن را ارج می‌نهند.

در قرآن ۹۹ بار به کلمه آب اشاره شده که نشانه اهمیت آن است. در نهج‌البلاغه اشاراتی در باب دعای باران، فواید باران، علل باران‌خواهی، شگفتی آفرینش آب از هوا، آب از دیدگاه عارفان و... آمده است که دلالت بر وسعت اندیشه‌هایی دارد که در بطن این عنصر جمع شده است.

در جوامع دینی و مذهبی می‌گویند: «آب مهریه حضرت فاطمه (ع) است» یا «آب این چشمه از جای سم اسب حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام است» و «توی آب نباید ادرار کرد» و «خاک مسلمان است و آب کافر» یا «اگر کسی غروب آفتاب آب بخورد، آن شب به اموات آب نمی‌دهند» یا «روزهای قتل و سوگواری آبیاری نمی‌کنند». (انجوی شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۱۰)

بنا به عقاید شیعیان، آب بهترین چیزی است که می‌توان به رایگان به کسی داد؛ زیرا این کار تشنگی امام حسین (ع) و یاران او را در میدان کربلا به یاد می‌آورد. از این رو کسی که آب می‌نوشد، باید بگوید: سلام‌الله علی‌الحسین و یا قربان لب‌تشنه‌ات یا حسین. (ماسه، ۱۳۸۷: ۳۷۱)

آب و خرافات

پایه همه تمدن‌های سواحل حاصل خیرشان بوده است. (علیخانی، ۱۳۹۵: ۱۳؛ شکوهی ۱۳۷۳: ۷۳)

کم آبی و مقابله با آن در ایران

ایران سرزمینی خشک و کم باران است و نزدیک به یک سوم متوسط بارندگی سالیانه در جهان را دارد. به این جهت آب و باران از دیرباز در فرهنگ ایران جایگاه ویژه‌ای داشته است. آلوده نکردن آب‌ها از سوی ایرانیان موضوعی است که بسیاری از تاریخ-نویسان اروپایی و جهانگردان به آن اشاره کرده‌اند. برای مقابله با کم آبی و کم بارانی از گذشته‌های دور دو جریان موازی در تاریخ ایران شکل گرفت: جریان اول ناظر بر ابداع و به‌کارگیری انواع فناوری‌های مرتبط با آب بوده است. ایرانیان مبدع قنات یا کاریز بوده‌اند. آنها به این طریق آب را از اعماق زمین به سطح می‌آوردند. سازه‌های مختلفی مانند آب‌انبار، سد و بند، بخیچال، انواع نهرها و جوی‌های ویژه آبیاری از جمله دیگر فناوری‌هایی است که نیاکان ما برای بهره‌برداری بهتر از منابع آب به کار می‌بستند. (مدخل آب در دانشنامه فرهنگ مردم ایران) وجود پیشه‌هایی مانند میراب، که در برخی شهرها احترام او از هر صاحب‌منصبی بالاتر بوده است، نشانه‌های دیگر این موضوع است. جریان دوم به صورت باورها، آداب و آیین‌های بسیار متنوع درباره آب و باران بوده است. (جعفری قنواتی، ۱۳۹۴: ۸۵)

حفاظت از آب و منابع آبی

سرزمین ایران از مناطق کم باران و نسبتاً کم آب است. محدودیت منابع آب در بخش‌های عمده‌ای از سرزمین موجب شده است که انسان ایرانی از دیرباز

- لیوان آب اگر برگردد، روشنایی است و شگون دارد.

- آب اگر در گلو گیر کند، سوغاتی برای آن شخص می‌آورند.

- دیدن آب در خواب هم برای خود فلسفه‌ای دارد و معتقدند که اگر آب صاف و روشن باشد، شادی و خوشی و فراوانی و اگر راکد باشد، غم و اندوه و بالاخره چنانچه گل‌آلود باشد، مشکلات و گرفتاری خواهد بود.

آب استخر: شادی بزرگ، آب معدنی: نجات از بیماری‌ها، آب رودخانه در خواب: عامل خبر خوش از راه دور و یا مسافر می‌باشد. (وارینگ، ۱۳۷۱: ۱۵-۱۷)

- در اغلب موارد دادن آب یک وظیفه دینی به شمار می‌رود. به همین سبب اگر کسی غروب آفتاب آب بخورد باید اندکی از آن را به پشت سرش بریزد و بگوید: «مرده‌ها تشنه‌اند».

- اگر روی گور کسی آب پاشند، روح مرده آرامش خواهد یافت؛ هنوز هم در بسیاری از شهرها اغلب مردم در هنگام حضور بر آرامگاه‌ها و قبور عزیزانشان بر آن آب می‌پاشند.

آب و پیدایش شهرها

آب ضامن امنیت نسل‌های آتی و توسعه پایدار است. در تأثیر این عنصر ارزشمند فرهنگی بر پیدایش شهرها و تمدن‌ها، نظریات بسیاری آمده است. به‌عنوان نمونه می‌توان به راتزل (جغرافیدان آلمانی) اشاره کرد که می‌گوید: رودخانه‌های بزرگی مانند نیل، کنگ، هوانگهو، یانگتسه، دجله و فرات، پو، دانوب، آlp، سن، تایمز، هودسن، اوهایو و می‌سی‌سی‌پی تقریباً

ز خشکی نبد هیچ کس شادمان
 هوا را دهان خشک چون خاک شد
 ز تنگی به جوی آب تریاک شد
 ز بس مردن مردم و چارپای
 پیی را ندیدند بر خاک جای
 شهنشاہ ایران چو دید آن شگفت
 خراج گزیت از جهان برگرفت
 بفرمود تا خانه بگذاشتند

به دشت آمد و دست برداشتند
 همی به آسمان اندر آمد خروش
 ز بس مویه و درد و زاری و جوش
 ز کوه و بیابان و از دشت و غار
 ز یزدان همی خواستی زینهار
 (فردوسی، ۱۳۸۷: ۲/ ۱۴۱۳)

تاریخ‌نویسان ضمن شرح زندگی حضرت
 رضاع) در خراسان بزرگ به نمونه‌ای دیگر از مراسم
 دعای باران اشاره کرده‌اند. اقامت حضرت در مرو
 مصادف با خشکسالی در آن شهر بوده است. به توصیه
 ایشان مردم در روز دوشنبه‌ای به بیرون شهر می‌روند
 و حضرت در آنجا مراسم نماز و دعای باران می‌گزارد.
 پس از این مراسم باران شروع می‌شود. (جعفری
 قنواتی، ۱۳۹۴: ۸)

آب در اندیشه‌های ادبی

اندیشه‌های مربوط به آب و حیات‌بخشی آن از ذهن
 و اندیشه مردم در گذر زمان به متون ادبی راه یافته
 است و هنرمندان با تصاویر ادبی این اندیشه خود را
 انعکاس داده‌اند. برای نمونه: «انسان، نخستین دیدار
 رویارویی با خود را در آب دید، در سطح صاف و

تدابیر هوشمندانه‌ای برای به دست آوردن، ذخیره،
 بهره‌برداری و مصرف متناسب آب بیندیشد و
 روش‌های دقیق و کارآمد برای تقسیم و توزیع و
 جلوگیری از هدر رفتن آب ابداع کند. آب در همه
 ابعاد زندگی مردم ایران حضور چشمگیر داشته و با
 همه عناصر فرهنگ این سرزمین سخت درآمیخته
 است. (میرشکرایی، ۱۳۸۰: ۱۱)

نقش و حضور بنیادی آب در اسطوره‌های
 آفرینش و تداوم آن در فرهنگ جاری و باورها و
 آیین‌ها، از جمله جهان‌بینی‌های فرهنگ انسانی است
 که به تناسب شرایط حاکم بر پیدایش و شکل‌گیری
 فرهنگ‌ها، در مناطق مختلف صورت‌های متفاوت
 دارد. ایران از جمله سرزمین‌هایی است که به لحاظ
 شرایط ویژه جغرافیایی و اقلیمی و تنوع زیست‌بوم و
 نیز نحوه معیشت و جهان‌بینی حاکم بر ذهن و اندیشه
 مردمانش، در مورد آب پیشینه غنی و پرنقش و رنگی
 دارد که در دوره‌های مختلف تاریخی تا به امروز
 استمرار یافته است. (همان: ۲۳)

باران خواهی

در برخی آثار ادبی و تاریخی به مصداق‌هایی از
 آیین‌های باران‌خواهی اشاره شده است. قدیم‌ترین
 نمونه مربوط به دوره فیروز ساسانی است. بر اساس
 گزارش تاریخ‌نویسان هفت سال باران نمی‌بارد. فیروز
 با مردم به صحرا می‌رود و برای بارش باران به نیایش
 می‌پردازد. فردوسی آورده است:

دگر سال روی هوا خشک شد

به جوی اندرون آب چون مشک شد

سدیگر همان و چهارم همان

روشن چشمه‌ها و آبگیرها و از آنجا آب با رازهای نهفته در هم آمیخت و انسان، آئینه را از آب آموخت و آئینه را ساخت و آب و آئینه نماد پاکی و روشنی شدند و آب و آئینه با هم بر سفره پیوند زندگی نشستند و بر سفره نوروز و بر سفره باورها و دل‌ها و... بدین گونه بود که آب مقدس شد و مظاهر قدسی پیدا کرد. (میرشکرایی، ۱۳۸۰: مقدمه)

آب در فرهنگ و ادب ایرانی عنصری مقدس به شمار می‌رود. در تاریخ ادبیات پیش از اسلام نیز نظر به اینکه آب مطابق گاه دوم از شش گاهنبار در دومین مرحله از مراحل خلقت، آفریده می‌شود و چندین ایزد و فرشته همچون آناهیتا و تیشتر با آن پیوند ناگسستنی دارد، اهمیت و ارزش فراوانی یافته است. در دوره اسلامی نیز شاعران و ادیبان به فراخور کلام از عنصر آب و نقش آن در فرهنگ و زندگی و تاریخ و اسطوره‌ها و باورها یاد کرده‌اند. (کریمیان سردشتی، ۱۳۸۳: ۸۹، ۹۵ و ۱۰۹)

در اشعار ارزشمند شاعران بزرگی چون حافظ و فردوسی بارها به تبیین مباحثی درباره آب و عناصر وابسته به آن پرداخته شده است. (علیخانی، ۱۳۹۵: ۱۸-۱۴) آب در شاهنامه فردوسی بدین شرح آمده است:

فردوسی صفت روان بودن آب را برگرفته و آن را جهت محسوس نمودن طبع و ذوق نویسنده استفاده کرده و گفته است:

چو طبعی نباشد چو آب روان
میر دست زی نامه خسروان

(فردوسی، ۱۳۸۷: ۱/ ۹۲۸)

فردوسی در بیت دیگری صفت تطهیرکنندگی آب را گرفته و گفتار پیغمبر را به آب تشبیه کرده که پاک کننده گناهان به شمار می‌رود:

به گفتار پیغمبرت راه جوی
دل از تیرگی‌ها بدین آب شوی

(همان: ۴)

حکیم توس در بیت دیگری آب را به داشتن نیروی فروکش کننده خشم توصیف کرده و گفته است:

بها گفت بگذار بر چشم من

یکی آب بر زن برین خشم من

(همان: ۱۱۱)

آب در اشعار حافظ نیز نمودهای فراوان و گسترده‌ای داشته است؛ از جمله در بیتی به آب حیات و جاودان بخشی آن اشاره شده و گفته است:

سکندر را نمی‌بخشند آبی

به زور و زر میسر نیست این کار

(حافظ، ۱۳۷۳: ۳۳۱)

گاهی نیز به زیبایی و فرح بخشی آب اشاره کرده و به خصوص به آب رکناباد و صفای گردش آن توجه کرده است:

بده ساقی می باقی که در جنت نخواهی یافت

کنار آب رکناباد و گل گشت مصلی را

(حافظ، ۱۳۷۳: ۴)

شیراز و آب رکنی و این باد خوش نسیم

عیش مکن که خیال رخ هفت کشور است

(همان: ۵۷)

آب در معانی نمادین

آب در معانی سمبلیک: آیین، اصل مؤنث، باروری،

پاکی، تجدید نیرو و در باورهای قومی و اساطیری:

عنصر آغازین و ابدی، تطهیرکننده مردگان، بخشنده

زیبایی، شفابخش و ... آمده است. (جابز، ۱۳۹۵: ۴۹۱)

حرمت آب و نیاز انسان به آن در سراسر تاریخ

و زندگی انسان نقش بسته است. شادمانی دسترسی به

آب از دیرزمان، بخشی از شادی‌ها و جشن‌های

پرخاطره ایرانی بوده است.

علاوه بر این، «آب می‌تواند خسارت بزند و

بیلعد، تندباد و باران تاک‌های شکوفان را نابود می‌کند.

بدین‌گونه است که آب قدرت موهن خواهد داشت.

در این حالت، گناهکاران را تنبیه می‌کند، اما نمی‌تواند

به نیکوکارانی دست یابد که نباید از آب‌های بزرگ

بترسند. آب‌های مرگ فقط برای گناهکاران است؛ این

آب‌ها برای نیکوکاران به آب حیات بدل می‌شود. آب

نیز می‌تواند همچون آتش، برای آزمون بی‌گناهی به

کار آید». (شوالیه، ۱۳۷۷: ۱۴ / ۱ و ۱۵)

آیین‌ها و جشن‌های مربوط به آب در ایران

آب در پیدایش شادی‌ها و برگزاری جشن‌های ایرانی

تأثیر داشته است. ایرانیان به بهانه‌های مختلف شادی

خود را از وجود آب ابراز می‌داشتند. در این بخش

به تعدادی از آنها اشاره می‌شود:

آبانگان

بنا به رسم کهن، هر وقت نام روز و ماه یکی بود، آن

را جشن می‌گرفتند. روز آبان (دهم) از ماه آبان را

آبانگان گویند. روز دهم آبان، پارسیان به‌ویژه زنان در

کنار رود یا دریا یزد نگاهبان آب را نیایش کنند. این

روز ویژه یکی از بزرگ‌ترین ایزدان موردستایش

ایرانیان قبل از زرتشت یعنی ایزد آناهیتا، ایزد

سرپرست آب‌های روان و ایستا و دریاها و رودها و

چشمه‌سارهاست. (سپه‌وندی، ۱۳۸۸: ۲۸)

انگیزه‌ای دیگر برای این جشن، آنکه مدت

هشت سال در ایران باران نبارید و بر اثر این مصیبت،

خشکسالی و قحطی به وجود آمد، بسیاری از مردمان

تلف شدند و بسیاری ترک شهر و دیار کرده به‌جاها

و سرزمین‌های دیگر رفتند. سرانجام پس از هشت

سال، در چنین روزی باران بارید و خشکسالی و

بیماری و ناداری و رنج از میان رفت. به همین جهت

مردمان این روز را گرامی داشته و هرساله به جشن و

سرور و شادمانی پرداختند. (دانشنامه مزدیسنا، ۵۲)

جشن آبریزگان

جشن آبریزان دهم تیرماه و در اوج گرما است و باز

نمادی از شادی و نشاط ایرانیان است. مردم به دریا و

رودخانه‌ها می‌رفتند و در آنجا آب‌تنی می‌کردند و به

یکدیگر آب می‌پاشیدند و این نیز ریشه در رسوم

بسیار کهن و پیش از زرتشت دارد. از طرفی این روز

را روز پیروزی ایرانیان بر تورانیان می‌دانند و آن را

به جمشید بر گوهر افشانند
مر آن روز را روز نو خواندند
سر سال نو هرمز فرودین
بر آسوده از رنج تن دل ز کین
بزرگان به شادی بیاراستند

می و جام و رامشگران خواستند
چنین جشن فرخ از آن روزگار
بمانده از آن خسروان یادگار
(فردوسی، ۱۳۸۷: ۲۱ / ۱)

بر اساس اسطوره‌های ایرانی این روز، روزی بود
که ایرانیان تمدن را آغاز کردند و از زندگی ابتدایی
دور شدند. دستاویز کیهانی، سومین دلیل برگزاری
نوروز است که رنگ و بوی مذهبی به خود گرفته
است. بر اساس باورهای ایرانیان کهن، آفرینش جهان
توسط اهورامزدا در این روز به پایان رسید. در واقع
اهورامزدا نخست آسمان، سپس آب، زمین، گیاهان،
جانوران و در پایان انسان را آفرید. بر این اساس
ایرانیان نوروز را جشن می‌گرفتند و به آن ارج می
نهادند؛ چرا که هستی آفریده و انسان، به تکامل رسیده
بود. (صالحی، ۱۳۸۹: ۲۹)

بحث و نتیجه‌گیری

فرهنگ عامیانه، فرهنگی بنیادی و جوشیده از
قلب‌های پاک و صمیمی است که عدالت و صداقت
در آن موج می‌زند. در این فرهنگ اندیشه‌ها و
تجربه‌های روزمره بشر درباره پدیده‌های گوناگون
نمود یافته است. آب یکی از مهم‌ترین عناصر و
پدیده‌ها در زندگی بشر است که در تار و پود زندگی
و افکار او رسوخ دارد. انسان از آغازترین لحظه‌های
حیات دریافت که باید به این عنصر حیات بخش به

به منوچهر نسبت می‌دهند. می‌گویند این روز و این
ماه به نام همان تیری است که آرش کمانگیر پرتاب
کرد و حدود سرزمین ایران را دیگر بار تثبیت کرد.
آرش در زمان پادشاهی منوچهر به دست افراسیاب
تورانی گرفتار شد. (سالمی فیه، ۱۳۹۱: ۱۷۰)

ابن فقیه تاریخ این جشن را دهم فروردین‌ماه
ضبط کرده است. همه روایات درباره این جشن،
حاکمی از تقدس آب و اهمیت ویژه آن و لزوم بارش
باران به هنگام و آیین‌ها و مراسم آن بوده است.
(رضی، ۱۳۸۳: ۱۶۹)

آب زور

یکی دیگر از مراسم و اعیادی که در میان زرتشتیان
مرسوم است، آیین «آب زور» می‌باشد که در این آیین
مقدس، موبدان پراهوم (فشرده گیاه هوم) را با آب
می‌آمیختند و با خواندن سرودهای اوستایی، آن را
متبرک می‌ساختند و برای بزرگداشت و تقدس آب،
آن را به چشمه‌سارها و رودخانه‌ها نثار می‌کردند.
(گاهشماري و جشن‌های ایران باستان: ۳۵۱. رضی
هاشم جشن‌های آب؛ سپه وندی، ۱۳۸۸: ۳۳)

نوروز

نوروز یکی از کهن‌ترین جشن‌های ایرانیان است.
دلایل پیدایش چنین روزی به باورهای اسطوره‌ای
ایرانیان بر می‌گردد. در واقع نوروز، روزی بود که
جمشید کار سر و سامان دادن به جامعه اسطوره‌ای
ایرانی را به پایان رسانده و روزگار نوی را برای
ایرانیان پیشکش آورده بود. در شاهنامه آمده است:

جهان انجمن شد بر تخت او

فرو مانده از فره بخت او

حاجی زاده میمنندی، مسعود (۱۳۸۴). *الگوی پژوهش در فرهنگ عامه: چگونه در فرهنگ عامه تحقیق کنیم؟*. یزد: علم نوین.

حافظ شیرازی، خواجه محمد (۱۳۷۳). *دیوان*. تصحیح خلیل خطیب رهبر. تهران: صفی علیشاه. خلعتبری لیماکی، مصطفی (۱۳۷۸). *آب، آیین‌ها و باورهای مربوط به آن در فرهنگ عامه*. تهران: صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، مرکز تحقیقات.

داد، سیما (۱۳۸۲). *فرهنگ اصطلاحات ادبی: واژه‌نامه مفاهیم و اصطلاحات ادبی فارسی و اروپایی (تطبیقی و توضیحی)*. تهران: مروارید.

دانشنامه فرهنگ مردم ایران (۱۳۹۱). زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.

دائرةالمعارف تشیع (۱۳۹۱). زیر نظر احمد صدر حاج سیدجوادی، کامران فانی، بهاءالدین خرمشاهی. تهران: حکمت.

ذوالفقاری، حسن و شیرینی، علی اکبر (۱۳۹۴). *باورهای عامیانه مردم ایران*. تهران: چشمه.

رضی، هاشم (۱۳۸۳). *جشن‌های آب: نوروز، سوابق، تاریخی تا امروز، جشن‌های تیرگان و آب‌پاشان، آبریزگان همراه با گزارش‌هایی درباره آداب و رسوم ملی و دینی زرتشتیان*. تهران: بهجت.

سالمی فیه، کیوان (۱۳۹۱). *نمادها و سنت‌های ایران*. تهران: زرین مهر.

سپه وندی، مسعود (۱۳۸۸). *ارزش، کارکرد و نمادهای آب (در فرهنگ، ادب، عرفان و باورهای دینی ایرانی و غیر ایرانی)*. دانشگاه آزاد خرم‌آباد.

دیده تقدس بنگرد تا بتواند با حفظ آن، زندگی خویش را پایدار گرداند. بر این مبنا تلاش کرده است تا در طول حیات خود آرزوها و آرمان‌های خویش را در قالب باورهای دینی و مذهبی، اندیشه‌های ملی و حتی خرافه و نگرش‌های عامیانه با آب پیوند بزند و از نعمات آن برخوردار گردد. ایرانیان جشن‌های متعددی درباره آب داشتند و به این وسیله شادی خود را از داشتن آب در سرزمین خود آشکار می‌کردند. از این رو آب و پدیده‌های وابسته به آن در اندیشه‌های ایرانیان باستان، شعرها و نوشته‌های شاعران و نویسندگان، گفتارهای روزمره و شفاهی مردم و فرهنگ عامیانه نمودهای گسترده و قابل توجهی یافته است.

منابع

انصاری، جمال (۱۳۹۱). *آشنایی با فرهنگ عامه و اقوام ایرانی: مروری بر آداب و رسوم، اعتقادات و عادات محلی*. تهران: سبحان نور.

بلوکباشی، علی (۱۳۸۷). *در فرهنگ خود زیستن و به فرهنگ‌های دیگر نگرستن*. تهران: گل آذین.

بیهقی، حسینعلی (بی‌تا). *مفاهیم و ویژگی‌های فرهنگ مردم*. مشهد: اداره کل فرهنگ خراسان.

تفضلی، احمد (۱۳۵۴). *مترجم. مینوی خرد*. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

جابز، گرتروود (۱۳۹۵). *فرهنگ سمبل‌ها اساطیر و فولکلور*. مترجم محمد رضا بقاپور. تهران: اختران.

جعفری فتواتی، محمد (۱۳۹۴). *درآمدی بر فولکلور ایران*. تهران: جامی.

- سعدی شیرازی (۱۳۶۹). گلستان. تهران، خوارزمی.
- شعربافیان، حمیدرضا (۱۳۸۳). باورهای عامیانه در ایران به گزارش سیاحان غربی. مشهد: محقق.
- شوالیه، ژان و دیگران (۱۳۷۷). فرهنگ نمادها، اساطیر، رؤیاهای، رسوم، ایما و اشاره، اشکال و قوالب، چهره‌ها، رنگ‌ها، اعداد. ترجمه و تحقیق سودابه فضایی. تهران: جیحون.
- صالحی، کوروش (۱۳۸۹). جشن‌های کهن ایرانی. مشهد: ایران آزاد.
- علیخانی، اعظم (۱۳۹۵). دانشنامه عامیانه آب کویر- کوهستان. کرمان: فرهنگ عامه.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۷). شاهنامه. تهران: هرمس.
- کرامتی‌مقدم، سیدعلی (۱۳۸۸). مفاهیم اندیشه‌ای و کاربردی آب در آثار ادبی و باورهای انسانی، چکیده مقالات همایش آب و ارزش‌های فرهنگی، ص ۱۷۳.
- کریمیان سردشتی، نادر (۱۳۸۳). آب و آب‌شناسی در ادب پارسی. تهران: وزارت نیرو مؤسسه گنجینه ملی آب ایران.
- ماسه، هانری (۱۳۸۷). معتقدات و آداب ایرانی (از عصر صفویه تا دوره پهلوی). مترجم مهدی روشن‌ضمیر. تهران: شفیعی.
- میرشکرایبی، محمد (۱۳۸۰). انسان و آب در ایران. تهران: گنجینه ملی آب ایران.
- وارینگ، فیلیپ (۱۳۷۱). فرهنگ خرافات: عجیب‌ترین خرافات مردم جهان. ترجمه و گردآوری احمد حجاران. بی‌جا.
- هدایت، صادق (۱۳۷۸). فرهنگ عامیانه مردم ایران. گردآورنده جهانگیر هدایت. تهران: چشمه.